

مهم ترین سوالات فلسفه (۲) / چاپ ۹۹ / تنظیم: سیده محبوبه نبوی

درس سوم: جهان علی و معلولی

دانش آموزان عزیز توجه داشته باشید این سوالات صرفاً جهت آشنایی شما طراحی شده است لطفاً این مجموعه را در کنار کتاب درسی استفاده کنید.

** درس در یک نگاه **

مفاهیم	توضیحات
علت	علت چیزی است که به معلول وجود می‌دهد و وجود معلول متوقف بر وجود آن است. یعنی تا علت نباشد، معلول هم پدید نمی‌آید
معلول	معلول چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر که همان علت است می‌گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند دیگری است.
رابطه علیت	رابطه وجود بخشی میان علت و معلول را رابطه علیت می‌گویند. پس رابطه علیت رابطه وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد.
نظر دکارت در مورد اصل علیت	او معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء مفاهیم اولیه ای است که انسان آن را به طور فطری درک می‌کند. یعنی هر انسانی با درکی از رابطه علیت متولد می‌شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد ولی یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.
تجربه گرایان یا امپریست‌ها	کسانی هستند که هر چیزی را از طریق حس و تجربه تحلیل می‌کنند.
عقیده امپریست‌ها در مورد رابطه علیت	آنها معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده‌ها پی می‌برد و رابطه علیت را بنا می‌نهد.
عقیده هیوم در مورد علیت	اصل علیت را نمی‌توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد برای مثال چشم، می‌بیند که با برآمدن خورشید زمین روشن می‌شود اما اینکه خورشید «علت» روشنی زمین است چنین چیزی با حس قابل رؤیت نیست بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن زمین در ذهن ما چنین منعکس می‌شود که خورشید علت روشن شدن زمین است و این تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سهم آمدن پدیده‌ها نیست.
دیدگاه فلاسفه مسلمان در مورد نحوه درک اصل علیت	اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی‌آید؛ زیرا دانشمندان به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به تجربه می‌زنند تا علل حوادث را پیدا کنند پس هر تلاش تجربی خود مبتنی بر این قاعده است. اما این گونه هم نیست که انسان در همان بدو تولد با این قاعده آشنا بوده و آن را درک کرده است. همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی‌یابد که پدیده‌ها خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند؛ زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است
معنی ممکن الوجود بودن پدیده‌ها	یعنی هم می‌توانند باشند و هم نباشند. بودن و نبودن برای آنها مساوی است.
دلیل ابن سینا بر عدم درک علیت از طریق تجربه	درک «علیت» از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه، فقط «به دنبال هم آمدن» یا «همراه هم آمدن» برخی پدیده‌ها را می‌یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای «علیت» نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست، نمی‌تواند تبیین قانع کننده‌ای از علیت ارائه کند
اصل سنخیت علت و معلول	هرعلتی، معلول خاص خودش را پدید می‌آورد و نیز هر معلولی از علت خاصی صادر می‌شود و پدید می‌آید.
نتایج اصل سنخیت	۱- انسان از هر چیزی انتظار آثار متناوب با خودش را دارد. ۲- می‌توان برای نظم دقیق جهان پشته‌خانه عقلی قائل شد. ۳- دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می‌کنند
اصل وجوب علی و معلولی	آنچه به معلول ضرورت وجود می‌دهد، علت است. معلول با قطع نظر از علت، «امکان ذاتی» دارد؛ یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است. با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می‌یابد و موجود می‌شود. پس، علت به معلول خود ضرورت وجود می‌بخشد و معلول را موجود می‌کند. این رابطه ضرورت بخشی علت به معلول را «وجوب علی و معلولی» می‌گویند

۱. یکی از کهن ترین مسائل فلسفه چیست ؟ مسئله علت و معلول

۲. از چه زمانی انسان به دنبال علت بوده و برای یافتن علل پدیده‌ها تلاش کرده است؟ انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال علت یابی بوده و برای یافتن علل پدیده‌ها تلاش کرده است.

۳. (تفکر ص ۱۴ کتاب). آیا ساختمان ذهن کودک به گونه‌ای است که او «چرا» می‌گوید یا ساختار جهان چنان است که او را به «چرا» گفتن می‌کشاند؟ آیا پرسشهای کودک صرفاً تقلیدی از بزرگترهاست یا واقعاً متوجه چیزی می‌شود که انگیزه سؤال کردن را در او زنده می‌کند؟ اصولاً ساختار ذهن کودک علت یاب است و بخش اعظم تفکر کردن همان علت‌یابی است. انسان توانایی تفکر و استدلال و یافتن علتها و چگونگی‌ها را دارد و همین توانایی است که وقتی به کار می‌افتد، سبب کسب دانش می‌شود و به میزانی که انسان بیشتر تفکر کند، دانش بیشتری به دست می‌آورد. پرسشهای کودک، صرفاً تقلید از بزرگترها نیست. بله، تربیت بزرگترها سبب تقویت توانایی کودک در پرسشگری می‌شود، نه اینکه اصل پرسشگری را در او به وجود بیاورد. سؤال از چراها و چگونگی‌ها در نهاد هر کودکی هست. البته ساختار جهان هم متناسب با این ذهن علت‌یاب کودک هست، زیرا قانون علیت بر جهان حاکم است و برخی چیزها علت برخی چیزهای دیگرند.
۴. اصطلاحات زیر را تعریف کنید:

علت: علت چیزی است که به معلول وجود می‌دهد و وجود معلول متوقف بر وجود آن است. یعنی تا علت نباشد، معلول هم پدید نمی‌آید.

معلول: معلول چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر که همان علت است می‌گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند دیگری است.

رابطه علیت: رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را رابطه علیت می‌گویند. پس رابطه علیت رابطه وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف

دیگر (معلول) وجود می‌دهد. یعنی وجود یکی ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است؛ مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می‌شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می‌گردد.

۵. چرا رابطه علیت مثل رابطه دوستی نیست؟ (تفاوت رابطه علیت را با سایر رابطه‌ها بنویسید.) (همان پاسخ سوال شماره ۳ رابطه علیت)

۶. کدام کلمه بازتابی از رابطه علیت است؟ (کلمه «چرا» بازتابی از درک کدام رابطه است؟) کلمه «چرا» بازتابی از رابطه علیت است «چرا» یعنی «به چه علت»، «علت این حادثه چیست».

۷. (مقایسه ص ۱۵) میان موجودات مختلف رابطه‌های گوناگونی وجود دارد که یکی از آنها رابطه علیت است. در جدول زیر، اشیایی در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. آیا می‌توانید رابطه یا رابطه‌هایی میان آنها پیدا کنید؟ نام آن رابطه‌ها را بنویسید.

اشیا	نوع رابطه
بدنه پل و ستون‌های زیر آن	رابطه اتکا (تکیه بدنه به ستون‌ها)
زمین و اشیای روی آن	رابطه جذب (نیروی جاذبه)
استاد و شاگرد	تعلیم و تعلم
کارگر و کارفرما	کارکردن و دستمزد دادن
اجزای ساعت	رابطه نظم (همکاری و هماهنگی)
تفاوت اساسی این قبیل رابطه‌ها با رابطه علیت چیست؟ در همه این رابطه‌ها، اجزا و اشیایی وجود دارند که با هم رابطه برقرار می‌کنند. اما در رابطه علیت، معلول وجود ندارد و علت به معلول وجود می‌دهد و آن را پدید می‌آورد.	

۸. دکارت در زمینه اصل علیت چه نظری دارد؟ دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء مفاهیم اولیه ای است که انسان آن را به طور فطری درک می‌کند. یعنی هر انسانی با درکی از رابطه علیت متولد می‌شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد ولی یافتن مصداق‌های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

۹. تجربه‌گرایان یا امپریست‌ها چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که هر چیزی را از طریق حس و تجربه تحلیل می‌کنند.

۱۰. به عقیده امپریست‌ها انسان چگونه متوجه رابطه علیت می‌شود؟ مثال بزنید. تجربه‌گرایان (امپریست‌ها) که هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می‌کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده‌ها پی می‌برد و رابطه علیت را بنا می‌نهد. آنان می‌گویند که مثلاً چون زمین همواره با آمدن خورشید، روشن و با ناپدید شدن آن، تاریک می‌گردد، انسان متوجه رابطه‌ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی‌شود و اسم این رابطه را «علیت» گذاشته است.

۱۱. به عقیده دیوید هیوم، تنها راه شناخت واقعیات چیست؟ حس و تجربه

۱۲. چرا دیوید هیوم معتقد بود اصل علیت را نمی‌توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد؟ چون حس فقط می‌تواند اجسام و رنگ‌ها و شکل‌ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد.

۱۳. مفهوم تداعی نزد هیوم چگونه مفهومی است؟ تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده‌ها نیست.

۱۴. نظر دیوید هیوم را درباره علیت با ذکر مثال شرح دهید. او می‌گوید اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی‌توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد. مثلاً چشم، می‌بیند که با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می‌شود اما اینکه خورشید «علت» روشنی زمین است چنین چیزی با حس قابل

رؤیت نیست. بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می شود که خورشید «علت» روشن شدن زمین است او این حالت ذهنی را «تداعی» می نامد و می گوید تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها نیست. از این طریق است که ما پنداشته ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است، ممکن است که در صبح یک روز بینیم که خورشید طلوع کرده اما زمین روشن نشده است.

۱۵. **دیدگاه فلاسفه مسلمان در مورد اصل علیت چیست؟** آنها می گویند، اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید؛ زیرا دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به تجربه می زنند تا علل حوادث را پیدا کنند پس هر تلاش تجربی خود مبتنی بر این قاعده است. اما این گونه هم نیست که انسان به طور مادرزادی در همان بدو تولد با این قاعده آشنا بوده و آن را درک کرده است. همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی یابد که پدیده ها خودبه خود به وجود نمی آیند؛ زیرا اینکه چیزی خودش به وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است

۱۶. **به عقیده فیلسوفان مسلمان، چه وقت کودک متوجه می شود حوادث خود به خود رخ نمی دهند؟** پس از شکل گیری ذهن کودک و درک برخی حقایق است که وقتی کودک صدایی را می شنود یا حرکتی را مشاهده می کند، به دنبال منشا صدا و عامل حرکت برمی آید؛ یعنی از این به بعد است که متوجه می شود حوادث، خودبه خود رخ نمی دهند و می توان علل حوادث را پیدا کرد.

۱۷. **به عقیده فلاسفه مسلمان اصل علیت چگونه قاعده ای است؟ چرا؟** اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید؛ زیرا دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به تجربه می زنند تا علل حوادث را پیدا کنند پس هر تلاش تجربی خود مبتنی بر این قاعده است.

۱۸. **به نظر فیلسوفان چرا یک پدیده نمی تواند خود به خود و بدون علت بوجود آید (چگونه از طریق اصل امتناع اجتماع نقیضین درمی یابیم که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند)؟** زیرا اینکه چیزی خودش به وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.

۱۹. **(تطبیق ص ۱۷) آیا میان نظرات دکارت و تجربه گرایان و فیلسوفان مسلمان درباره معرفت شناسی و دیدگاه آنان درباره علیت هماهنگی وجود دارد؟** بله. مثلاً دکارت که فیلسوفی عقل گرا بود و معتقد بود که عقل انسان علاوه بر تجربه، دانشهای اولی هم دارد، بر آن مبنا در مورد علیت هم معتقد است که علیت از تجربه به دست نیامده و خود عقل، آن را درک می کند. تجربه گراها نیز چون معتقدند که همه دانش ها از تجربه به دست می آید، می گویند که درک و پذیرش اصل علیت هم از طریق حس و تجربه صورت می گیرد.

۲۰. **اینکه می گوییم پدیده های پیرامون ما ذاتاً ممکن الوجود هستند به چه معناست؟** یعنی هم می توانند با شند و هم نباشند. بودن و نبودن برای آنها مساوی است.



۲۱. **حالت یک معلول را که ذاتاً ممکن الوجود است به چه چیزی تشبیه کرده اند؟ توضیح دهید حالت ممکن الوجود مانند ترازویی است که دو کفه آن در حالت تعادل قرار دارند و هیچ کفه ای بر دیگری ترجیحی ندارد. حال اگر ببینیم یکی از کفه ها به سمت پایین کشیده شده و بر دیگری فزونی یافته، می گوییم عقلاً محال است که خود به خود و بدون هیچ علتی، یک کفه بر کفه دیگر سنگینی کند و به سمت پایین حرکت نماید.**



۲۲. **ابن سینا به گونه ای در مورد علیت سخن گفته که گویی پاسخی برای کدام فیلسوف اروپایی آماده کرده است؟ هیوم**

۲۳. **چرا به نظر ابن سینا درک رابطه علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست؟** وی می گوید: آری، درک این رابطه و پی بردن به «علیت» از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه، فقط «به دنبال هم آمدن» یا «همراه هم آمدن» برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای «علیت» نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست، نمی تواند تبیین قانع کننده ای از علیت ارائه کند بعد از درک علیت، برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم.

۲۴. **(مقایسه ص ۱۹) دیدگاه دیوید هیوم را با نظر ابن سینا مقایسه کنید.** هیوم مبنایش تجربه هست ولی مبنای ابن سینا عقل است (تفاوت). هیوم می گوید اصل علیت را نمی توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد. ابن سینا هم مانند هیوم می گوید از طریق حس نمی توان به رابطه علیت پی برد (وجه اشتراک). ابن سینا می گوید ما با روش عقلی به رابطه علیت پی می بریم اما هیوم عقل را هم قبول ندارد تا از طریق عقلی آن را بپذیرد (تفاوت)

۲۵. **(مقایسه ص ۱۹) چه تفاوتی میان دیدگاه دکارت و ابن سینا وجود دارد؟** هم دکارت و هم ابن سینا، هر دو به روش عقلی اعتقاد دارند. اما تفاوتشان در این است که دکارت مفهوم علیت را امری بدیهی و فطری می داند که نیازی به استدلال ندارد. ولی ابن سینا می گوید علیت امر بدیهی اولیه نیست و نیاز به اثبات دارد

۲۶. **منظور از اصل سنخیت علت و معلول چیست؟ مثال بزنید.** انسان علاوه بر اینکه درک می کند که هر حادثه ای علت می خواهد، درک می کند که هر علتی، معلول خاص خودش را پدید می آورد و نیز درک می کند که هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید. فیلسوفان این اصل را «سنخیت میان علت و معلول» می نامند و می گویند همه انسان ها، به طور طبیعی و با همان عقل خود این حقیقت را قبول دارند و طبق همین اصل رفتار می کنند؛ مثلاً برای باسواد شدن درس می خوانند، برای سلامتی ورزش می کنند و غذای سالم می خورند و برای استحکام ساختمان از آهن یا بتن استفاده می کنند.

۲۷. به عقیده فیلسوفان، همه انسانها طبق کدام اصل رفتار می کنند؟ اصل سنخیت علت و معلول

۲۸. کدام فیلسوفان معتقد نیستند که اصل سنخیت علت و معلول مانند خود اصل علیت یک اصل عقلی است؟ فیلسوفان تجربه گرا

۲۹. نتایج اصل سنخیت را بنویسید. یکی از نتایج آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد؛ به همین سبب، می کوشد ویژگی های هر شیء را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیاء دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند. با قبول این اصل می توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد. دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند. آنان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست و جو می کنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند.

۳۰. با قبول کدام اصل می توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد؟ اصل سنخیت

۳۱. دانشمندان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ چه عواملی می روند؟ آنان به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست و جو می کنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند.

۳۲. (بررسی ص ۱۹) آیا می توانید در میان رفتارهای آدمیان موردی را مثال بزنید که نشان دهد اصل سنخیت علت و معلول مورد پذیرش آنها نیست؟ خیر با یک بررسی در اعمال و رفتار روزانه خود و دیگران می بینیم که همه براساس اصل سنخیت است، مثلاً: سوار اتومبیل شدن بدان جهت است که از اتومبیل انتظار داریم با سرعت بیشتر حرکت کند، غذا می خوریم چون از غذا انتظار داریم که سلامتی ما را تأمین کند و ...

۳۳. (بررسی ص ۱۹) آیا ضرب المثل هایی داریم که گویای اصل سنخیت علت و معلول باشد؟ بله، گندم از گندم برآید و ...

۳۴. اصل وجوب علی و معلولی را توضیح دهید. آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، علت است. معلول با قطع نظر از علت، «امکان ذاتی» دارد؛ یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است. با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می یابد و موجود می شود. پس، علت به معلول خود ضرورت وجود می بخشد و معلول را موجود می کند. این رابطه ضرورت بخشی علت به معلول را «وجوب علی و معلولی» می گویند

۳۵. منظور از عبارت "معلول قطع نظر از علت، امکان ذاتی دارد" چیست؟ یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم، مساوی است.

۳۶. در چه صورتی وجود معلول ضرورت می یابد و موجود می شود؟ با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می یابد و موجود می شود.

۳۷. دیدگاه های زیر، نظر کدام یک از فلاسفه است؟

دیدگاه ها	فلاسفه
علیت حاصل توالی پدیده هاست.	تجربه گرایان
درک انسان از علیت، درکی فطری است.	دکارت
چون انسان از جهت ذاتی ممکن است، نیاز به علت دارد	ابن سینا و فلاسفه پیرو او و توماس آکوئیناس
اصل علیت یک اصل تجربی است.	تجربه گرایان
اصل علیت یک اصل کاملاً عقلی است.	عقل گرایان و فلاسفه مسلمان

۳۸. شعر «چوبد کردی مشو غافل ز آفات / که واجب شد

طبیعت را مکافات» کدام اصل فلسفی را تایید می

کند؟ اصل سنخیت علت و معلول

۳۹. مواردی که در زیر می آید، از نظر فیلسوفان، از نتایج

اصل «علیت» و «سنخیت علت و معلول» است. آنان می گویند، چون هر انسانی این دو اصل را پذیرفته است، این موارد را هم به طور ضمنی قبول دارد. نظر شما در این باره چیست؟ نظر خود را روبه روی هر مورد بنویسید.

نتایج اصل علیت	نقد و نظر
وجود نظم و پیوستگی	نظم جهان نتیجه همان سنخیت علی و معلولی است. اگر از هر چیزی هر چیزی پدید می آید هیچ نظم و ترتیبی وجود نداشت.
امکان پیش بینی رخدادها	این هم به علت قبول اصل سنخیت است، مثلاً با آمدن ابر، انتظار داریم که باران بیارد.
امکان پیشگیری از برخی حادثه ها	چون می دانیم که مثلاً سیل باعث تخریب می شود، با ایجاد سد مانع سیل می شویم تا اثر سیل که تخریب خانه هاست، اتفاق نیفتد. پس در اینجا هم اصل سنخیت پذیرفته شده است.
امکان پژوهش و تحقیق	پژوهشگر هم چون انتظار دارد که از هر پدیده ای آثار خاصی مشاهده کند، تحقیق می کند تا آثار خاص هر پدیده را شناسایی کند.
تنظیم امور زندگی	اینکه مثلاً انسان روز را برای کار و شب را برای استراحت قرار می دهد بدان جهت است که شب آثار خود را دارد و روز آثار خود را.
به وجود آمدن شاخه های مختلف دانش	این هم بدان سبب است که پدیده های همگن و نزدیک به هم آثار نزدیک به هم دارند.

سوالات جای خالی

۱. انسان از همان اوایل کودکی که زبان می‌گشاید از و اشیاء پرسش می‌کند.
۲. رابطه علیت رابطه ای است یعنی یکی وجودش وابسته به دیگری است.
۳. به عقیده ابن سینا آنچه به معلول ضرورت وجود می‌دهد است.
۴. شاید نخستین مساله ای که ذهن بشر را متوجه ساخته و او را وادار به تفکر و اندیشه کرده است باشد.
۵. فیلسوفان به جز فیلسوفان می‌گویند که اصل سنخیت نیز مانند خود اصل «علیت» یک اصل عقلی است.
۶. با قبول اصل سنخیت است که می‌توان برای دقیق جهان پشوانه عقلی قائل شد.
۷. کسانی که هر چیزی را از طریق حس و تجربه تحلیل می‌کنند همان یا می‌باشند
۸. حالت یک معلول را که ذاتا است، می‌توان به ترازویی تشبیه کرد که دو کفه آن به حالت تعادل در برابر یکدیگر ایستاده اند
۹. انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی کره خاکی به دنبال بوده است و برای یافتن پدیده‌ها تلاش کرده است.
۱۰. ابن سینا می‌گوید معلول با قطع نظر از علت دارد، یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است.
۱۱. دیوید هیوم فیلسوف قرن است.
۱۲. از نظر دکارت یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند و است.
۱۳. تجربه‌گرایان، معتقدند که انسان از طریق به توالی پدیده‌ها پی می‌برد و رابطه را بنا می‌نهد.
۱۴. دکارت معتقد بود که اصل بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء مفاهیم اولیه ای است که انسان آن را به طور درک می‌کند
۱۵. کلمه «چرا» بازتابی از رابطه است «چرا» یعنی «.....».
۱۶. دانشمندان با تکیه بر اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می‌کنند.
۱۷. به عقیده فیلسوفان، همه انسانها طبق اصل رفتار می‌کنند.
۱۸. با قبول اصل می‌توان برای نظم دقیق جهان پشوانه عقلی قائل شد.
۱۹. کشف علل امور طبیعی از طریق و صورت می‌گیرد.
۲۰. معلول که در ذات خود است و فقط امکان موجود شدن را دارد، توسط علت، می‌شود.

سوالات صحیح و غلط

۱. تداعی ذهنی از دیدگاه هیوم به معنای امر روانی ناشی از توالی و پشت سر هم آمدن پدیده هاست. ص غ
۲. دکارت تنها راه شناخت واقعیات را حس و تجربه می‌داند. ص غ
۳. آنچه به علت ضرورت وجود می‌دهد، معلول است. ص غ
۴. معلول با قطع نظر از علت، «امکان ذاتی» دارد. ص غ
۵. یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد. ص غ
۶. با قبول اصل وجوب علی و معلولی می‌توان برای نظم دقیق جهان پشوانه عقلی قائل شد. ص غ
۷. دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به تجربه می‌زنند تا علل حوادث را پیدا کنند. ص غ
۸. همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل عدم امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی‌یابد که پدیده‌ها خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند ص غ
۹. تجربه‌گرایان (امپریست‌ها) معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده‌ها پی می‌برد و رابطه علیت را بنا می‌نهد ص غ
۱۰. دکارت می‌گوید هر انسانی با درکی از رابطه علیت متولد می‌شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و با آموزش دارد ص غ
۱۱. علت چیزی است که به معلول وجود می‌دهد و وجود علت متوقف بر وجود آن است. ص غ
۱۲. رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را رابطه علیت می‌گویند. ص غ